

نام اسپ افراسیاب: نکته ای در تصحیح شاهنامه

اولین جنگ رستم که جهان پهلوان هنوز نوجوانی بیش نبوده است، در زمان پادشاهی کیقباد صورت می گیرد. این همان رزم است که در آن رستم با افراسیاب روبه رومی شود و کمر بند افراسیاب را می گیرد و او را از زمین بلند می کند:

چورستم ورا دید بفشرد ران به گردن برآورد گرز گران
چوتنگ اندر آورد با وی زمین فرو کرد گرز گران را به زین
به بند کمرش اندر آورد چنگ جدا کردش از پشت زین پلنگ
(خالقی، یکم/۳۴۸/۳۷-۳۹)

نسخه بدل‌های پلنگ در ترکیب «زین پلنگ» به قرار زیر است:

لن، ق، ق، آ، پ، آ، ل، ب (ونیز لن^۲، س^۲) * همه به جای پلنگ لفظ خدنگ را به کار برده اند. نسخه اساس یعنی ف، و نسخه اقدم لندن یعنی ل با چهار نسخه دیگر یعنی س، لی، و (ونیز ل^۲) همه همان ضبط پلنگ را نشان می دهند که در متن آورده شده است. ناگفته نماند که هم پلنگ به عنوان کنایه از «اسب» در شعر قدیم پارسی بسیار به کار رفته و هم ساختن زین‌های مرغوب از چوب خدنگ معروف بوده است.

* برای مشخصات کامل این نسخه‌های خطی رجوع فرمایید به: شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق، دفتر

بنابراین ایراد اساسی بر ضبط هیچ یک از نسخ اصلی و فرعی شاهنامه دکتر خالقی وارد نیست. مصحح دانشمند هم از اتفاق ضبط قدیمترین و معتبرترین نسخی پیروی کرده و صورت پلنگ را بر خدنگ ترجیح داده و در متن آورده است. پس از نظر متد تصحیح ایرادی به جناب خالقی وارد نیست. بنده هم اگر می خواستم این بیت را بر اساس دو قراءت موجود خدنگ و پلنگ تصحیح کنم بعینه ضبط پلنگ را بر خدنگ ترجیح می نهادم. اما غرض از ذکر این مقدمات این بود که خاطر نشان سازم که با آن که صورت پلنگ را باید در متن نگاهداشت، ذکر یک نکته در مورد تصحیح قیاسی این بیت نیز خالی از فایده نیست. و آن عبارت از این است که باید اضافه کرد هر دو صورت پلنگ و خدنگ ممکن است که گشته واژه دیگری باشد. این واژه به زعم بنده واژه خلنگ است که به صورت خلنج در یک متن مهم فارسی آمده و نام اسپ افراسیاب دانسته شده است.

محمد بن منصور بن سعید ملقب به مبارکشاه، و معروف به فخر مدبر مؤلف کتاب نفیس آداب الحرب والشجاعة که در حدود سالهای ۶۲۷-۶۳۳ نوشته آمده در ذکر اسامی اسپان شاهان و پهلوانان حماسی می نویسد:

رخش رستم..... و کمیت افریدون و خرمنج اردشیر و.... خلنج افراسیاب.

(مبارکشاه، ص ۱۸۵).

روشن است که خلنج گونه ای ست از واژه خلنگ و اگر منابعی که مبارکشاه بدانها دسترسی داشته نام اسپ افراسیاب را خلنگ یا خلنج (با تبدیل گ به ج) ضبط کرده بوده اند. دور نیست که نسخه بدل خدنگ در شاهنامه هیأت بینابینی ضبط صحیح یعنی خلنگ و ضبط ساده شده یعنی پلنگ بوده باشند، و فردوسی خود نام اسپ افراسیاب را در اصل خلنگ گزارش کرده باشد. این خلنگ به دلیل دور از ذهن بودن یا نا آشنا بودن به ذهن نساخ و به واسطه شباهتش از نظر رسم الخط به دو واژه خدنگ و پلنگ بعدها کم کم در نسخ مختلف به خدنگ و پلنگ گستگی یافته. علی ای حال لابد موجود بودن صفت پلنگ برای اسپ و معروف بودن زین خدنگ در این تبدیل و تغییر دست داشته است. مثلاً منوچهری در وصف اسپ گوید:

چون کلنگان از هوا آهنگ او سوی نشیب چون پلنگان از نشیب آهنگ او سوی فراز

(دیوان، ص ۵۳)

خود فردوسی هم مکرراً «پلنگ» را برای اسپ به کار برده است. مثلاً در داستان نامه نوشتن زال به سام می گوید:

سواری به کردار آذرگشسپ ز کاول سوی سام شد بر سه اسپ

بفرمود گفت ار بماند یکی نباید تورا دم زدن اندکی
به دیگر پلنگ اندر آی و برو بدین سان همی تازتا پیش گو
(خالقی، یکم، ۲۰۷/۶۴۳-۶۴۵)

آنچه که احتمال گشتگی در واژه پلنگ یا خدنگ را تقویت می کند این است که در گزارش افراسیاب از آنچه که در نبرد با رستم رخ داد، برخی از نسخی که در بیت ۳۹ پلنگ ضبط کرده بودند این بار خدنگ نوشته اند:

چنان بر گرفتم ز زین پلنگ که گفتم ندارم به یک پشه سنگ
(خالقی، یکم/۳۴۹/۶۹)

نسخه بدل‌های واژه در این بیت بدین قرار است:

خدنگ: ل، س، ق، ق، آ، ل^۱.

پلنگ: ف، ل، ل، پ، و، ل^۲ (و نیز ل^۳، ل^۴، س^۵).

علی ای حال چون شاهی که بنده در صحت خلنگ یا خلنج به عنوان نام اسپ افراسیاب ارائه داده ام شاهی ست واحد، نمی توان به استناد آن در این بیت تصحیح قیاسی به کار برد. به طور کلی از نظر شیوه علمی تصحیح متن بهتر همان است که از نسخ معتبر پیروی نمود و احتمالات دیگر را در یادداشت‌های تصحیح خاطر نشان ساخت. تنها در مواردی که هم تعداد شواهد و هم نیروی آنها بر قراءت یا ضبط کلیه نسخه های مورد مطابقت در تصحیح می چربد می توان به تصحیح قیاسی دست زد. شاهد خلنگ یا خلنج، هم شاهد واحد است و هم در متنی آمده که بیش از دو بیست سال پس از اتمام تصنیف شاهنامه تألیف شده، بنابراین به اعتبار این شاهد واحد اعمال تصحیح قیاسی در متن جایز نیست. از سوی دیگر مبارکشاه چون به آداب جنگ و تاریخ سپاه‌گیری در زمان خودش که دوران پادشاهی باقی مانده های امرای غزنوی ست بسیار وارد بوده و در فن جنگ و تاریخ نبرد صاحب نظر، نمی توان هر سنجش را یکباره کان لم یکن دانست و به آن التفاتی نکرد. در چنین شرایطی جای ذکر احتمال صحت خلنگ یا خلنج در یادداشت‌هاست و نه در متن یا در نسخه بدل‌ها. والسلام.

دانشگاه دولتی کالیفرنیا

منابع:

فردوسی، شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق، دفتر یکم، نیویورک، ۱۳۶۶.
مبارکشاه، محمد بن منصور بن سعید. آداب الحرب و الشجاعة، به تصحیح احمد سبیلی خوانساری، تهران، اقبال، ۱۳۴۶.

منوچهری دامغانی، دیوان منوچهری دامغانی، به تصحیح دکتر محمد دبیر سیاقی، تهران: زوار، چاپ اول، ۱۳۷۰.